

فلسفه و استلزامات تقابل نظام جمهوری اسلامی با رژیم صهیونیستی از منظر قرآن

حجت الاسلام والمسلمین مرتضی غرسبان*

اشاره

با آغاز حملات نظامی رژیم صهیونیستی به خاک ایران در خرداد ۱۴۰۴، شرایط جدیدی در منطقه غرب آسیا به وجود آمد که جواب سخت جمهوری اسلامی به این تعدی، به واسطه اصول دینی و قرآنی، صورت گرفت. قاعده «نفی طاغوت» به عنوان الزام جهاد در برابر دشمنان و در راستای سرکشی و طغیان آنها توصیف می شود، در حالی که قاعده «نفی سبیل» به تأکید بر منع قدرت کافران بر مؤمنان و ضرورت پاسخ قاطع به تهدیدات می پردازد. این مقاله تأکید می کند که تردید در پاسخ به تهدیدات، زمینه ساز مداخلات بعدی و تضعیف حاکمیت ملی خواهد بود. با توجه به مثال های تاریخی از جنگ تحمیلی و شرایط کنونی، جمهوری اسلامی باید با قاطعیت به تجاوزات پاسخ دهد و اقتدار نظامی خود را به عنوان ستون فقرات مشروعیت داخلی تقویت کند.

مقدمه

از سحرگاه ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، رژیم صهیونیستی با تجاوزی گسترده و بی سابقه به اهدافی در خاک کشور، آتش یکی از شدیدترین تقابل های مستقیم با جمهوری اسلامی ایران را شعله ور ساخت و بار دیگر بحرانی جدید در منطقه غرب آسیا رقم زد. تنها یک روز بعد، در ۲۴ خرداد، ایران با طوفانی از موشک ها و پهپادهای انتحاری، پاسخ سختی به رژیم صهیونیستی داد؛

* محقق رسمی پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

پاسخی که نه فقط معادلات امنیتی منطقه، بلکه ذهنیت راهبردی بازیگران جهانی را نیز به طور کلی دگرگون کرد. آتش سنگین پهپادها و موشک‌های نیروهای مسلح، طول و عرض سرزمین‌های اشغالی را شخم زد و قدرت ادعایی صهیونیست‌ها در پدافند آهنین را مخدوش و متزلزل کرد.

این هم‌اورد نظامی، که با تقابل مستقیم نظام جمهوری اسلامی ایران پدید آمده است، منشأ دینی داشته و رهبران سیاسی و نظامی بر اساس اندیشه دینی و قرآنی، به این تقابل مستقیم روی آورده‌اند.

فلسفه و دلیل مقابله و برخورد شدید و سخت جمهوری اسلامی ایران با رژیم متهوس صهیونیستی، برآمده از منابع دینی و به ویژه قرآن کریم است که در ادامه به دو قاعده «نفی طاغوت» و «نفی سبیل» اشاره می‌شود.

۱. قاعده نفی طاغوت

یکی از قواعد اصلی اسلامی در مسیر توحید و خدامحوری، نفی هر گونه شرک و طاغوت است. جهاد دفاعی و دفاع از مسلمینی که مورد هجوم دشمنان قرار گرفته‌اند به هر شکل ممکن جزو واجبات مسلم دین است به گونه ای که بین فقها در این زمینه اختلافی نیست؛ و در مقابل، نپذیرفتن زور و استبداد و اشغال و آدم کشی طواغیت، جزو دستورات روشن قرآن است.

طاغوت در جایی به کار می‌رود که سرکشی و طغیانی درکار باشد؛ جایی که دستگاہی در مقابل دستگاه خدا و حاکمیت دین قد علم کند. لذا طاغوت به سرمنشأ گمراهی اطلاق می‌شود و کسانی که سرکشی کرده و سلطه بر اموال و زمینها و فرهنگ انسانها را در پیش گرفته‌اند، مصداق طاغوتند.

نپذیرفتن و کفر به طاغوت، رکن دینداری است و قرآن کریم در سوره نحل، کفر به طاغوت را به همراه ایمان به خدا، دو پایه‌ی اصلی دعوت تمامی انبیا معرفی می‌کند و می‌فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ؛ و قطعاً، در میان هر امتی پیامبری برانگیختیم با این پیام که: خدا را بپرستید و از هر معبودی جز او دوری گزینید.» و در جای دیگر،

کفر به طاغوت را شرط هدایت و تمسک به ریسمان محکم الهی بیان می‌کند و می‌فرماید: «... فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا...»^۱ پس هر کس به طاغوت‌ها کافر شود و به خدا ایمان بیاورد، قطعاً به استوارترین دستاویز که برای آن گسستن نیست چنگ زده است.»

همچنین قرآن کریم در مقابل، ایمان به طاغوت و پذیرش آن را پذیرش ولایت شیطان و سبب گمراهی خوانده است و می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا»^۲ آیا به کسانی که بر این باورند که به آنچه به سوی تو فرو فرستاده شده و به آنچه پیش از تو نازل گردیده ایمان آورده‌اند، ننگریسته‌ای که می‌خواهند داوری در مرافعات خود را نزد طاغوت ببرند، با این که فرمان یافته‌اند بدان کفر ورزند؟ و شیطان می‌خواهد آنان را به بیراهه‌ای که با حق فاصله‌ای دور و دراز دارد سوق دهد.» و در جای دیگر می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا»^۳ کسانی که ایمان آورده‌اند، در راه خدا پیکار می‌کنند و کسانی که کافر شده‌اند، در راه طاغوت می‌جنگند، پس با دوستان شیطان پیکار کنید که قطعاً نیرنگ شیطان سست است.»

بنابراین رسیدن به اهداف اساسی و بلندی که ارزش زندگی انسان، به دست یافتن آنهاست، در گروه قدم نهادن در مسیر جهاد و مقاومت در مقابل دشمنان خدا و مسلمین یا به معنای دقیق تر، طواغیت زمان است. و در وضعیت موجود، عدم مقابله با دشمن مستکبر، به نوعی پذیرش حاکمیت آنها و پذیرش طاغوت محسوب می‌شود.

۲. قاعده نفی سبیل

در ابتدای انقلاب و آغاز شکل‌گیری نهال جمهوری اسلامی، صدام حسین با تصور ضعف ملت و نظام اسلامی، مغرورانه و جاهلانه آتش جنگ را برافروخت و به خیال خام خود، نابودی

۱. بقره: ۲۵۶.

۲. نساء: ۶۰.

۳. نساء: ۷۶.

انقلاب اسلامی را هدف گرفت. اما این تصمیم، سرنوشت او را مهر زد. ثمره این حماقت، نه تنها فروپاشی رژیم بعث و عقب‌نشینی دشمنان از خاک ایران بود، بلکه الگویی شد برای پیروزی و پایداری ملت‌های مظلوم جهان در برابر ظلم مستکبران. رهبر معظم انقلاب در اولین نماز جمعه پس از حمله صدام به این خطای محاسباتی اشاره نمود: «ای سربازان مؤمن فداکار! این مغرور جاهل متعصب، امروز با پای خود به میدان مبارزه‌ای که گور او در آن کنده شده است قدم نهاده است. ما نیروها را به میدان خواهیم آورد. همه ملت آماده است، همه خواهیم جنگید. آنها روی تانک حساب کردند، روی هواپیما حساب کردند، اما روی ملتها حساب نکردند.»^۱

ایران در دوران هشت ساله جنگ تحمیلی، به دفاع همه جانبه پرداخت و این منطق مقابله نظام جمهوری اسلامی با دشمن، برآمده از اصل قرآنی «نفی سبیل» است. از منظر قرآن کریم، فلسفه مقابله امروز ما با رژیم منهوس صهیونیستی نیز، بر قاعده نفی سبیل استوار است که خداوند می‌فرماید: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمُ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُم مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»^۲ آنان که همواره حوادثی را برای شما انتظار می‌برند، اگر از سوی خدا برایتان فتح و پیروزی رسد، می‌گویند: مگر ما با شما [در میدان جنگ] نبودیم؟ [پس سهم ما را از غنایم جنگی بپردازید.] و اگر برای کافران بهره‌ای اندک [از غلبه و پیروزی] باشد، به آنان می‌گویند: آیا [ما که در میان ارتش اسلام بودیم] بر شما چیره و مسلط نبودیم؟ [ولی دیدید که ازضربه زدن به شما خودداری کردیم] و شما را [از آسیب و زیان مؤمنان] مانع می‌شدیم [پس سهم غنیمت ما را بدهید.] خدا روز قیامت میان شما داوری می‌کند؛ و خدا هرگز هیچ راه سلطه‌ای به سود کافران بر ضد مؤمنان قرار نداده است.»

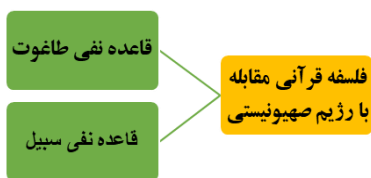
امروز نیز صحنه تاریخ تکرار شده است. رژیم کودک کش صهیونیستی، با حمایت قدرت‌های استکباری و تجهیزات نظامی آنها، در جنایتی آشکار به خاک ایران حمله کرد و علاوه بر برخی از مقامات ارشد نظامی و دانشمندان هسته‌ای، تعداد زیادی از افراد بی‌گناه و به‌ویژه زن و کودک را به شهادت رساند. حمله‌ای که صرفاً نتیجه توهم و ارزیابی نادرست آنها از ظرفیت‌های انقلاب اسلامی بود.

۱. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۴۵۸۲>.

بی شک اسرائیل وادار به انتخاب راهی شده که پایان آن، تلخ، دردناک و عبرت‌آموز خواهد بود. چنان‌که رهبر معظم انقلاب اسلامی پس از این حادثه در پیامی روشن فرمودند: «رژیم صهیونی، دست‌پلید و خون‌آلود خود را به جنایتی در کشور عزیزمان گشود و ذات خبیث خود را با زدن مراکز مسکونی بیش از گذشته آشکار کرد. رژیم باید منتظر مجازاتی سخت باشد. دست‌قدرتمند نیروی مسلح جمهوری اسلامی او را رها نخواهد کرد باذن‌الله. در حملات دشمن، تنی چند از فرماندهان و دانشمندان به شهادت رسیدند. جانشینان و همکاران آنان بی‌درنگ و وظائف خود را پی خواهند گرفت انشاء‌الله. رژیم صهیونی با این جنایت، برای خود سرنوشت تلخ و دردناکی تدارک دید و آن را قطعاً دریافت خواهد کرد.»^۱

آمریکا باز هم دچار محاسبات غلط شد و برای امتیاز گرفتن از ایران سگ حارش را جلو انداخت، رژیم صهیونی که با شکست‌های مفتضحانه طوفان الاقصی و دست‌نیافتن به اهدافش و ضربه بزرگ اطلاعاتی ایران و اختلافات داخلی در حال فروپاشی از درون می‌باشد، دست‌به‌چنین جنایتی زد که در واقع گور خود را کنده است. نظام جمهوری اسلامی ایران بسیار قدرتمند و قوی است و بر اساس قاعده قرآنی نفی سبیل، پاسخی دردناک و کوبنده به این جنایت داده و خواهد داد که درس عبرت بزرگی برای رژیم صهیونی و حامیانش شود و بازدارندگی لازم را ایجاد می‌کند.

در چنین وضعیتی، تردید در پاسخ یا واکنش محدود، تنها راه را برای مداخلات بعدی باز خواهد کرد. تجربه تاریخی کشورهای مورد حمله مثل عراق و سوریه ثابت کرده که ضربه به زیرساخت‌های راهبردی، در صورت عدم واکنش متقابل قاطع، به فروپاشی اعتبار امنیتی منجر می‌شود. در جهان امروز، اقتدار نظامی به مثابه ستون فقرات مشروعیت داخلی است. اگر این ستون ترک بخورد، سقوط حاکمیت تنها چند گام فاصله دارد.



۱. <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۶۰۴۱۶>.

استلزامات تقابل

از منظر قرآن کریم استلزامات بسیاری برای جلوگیری و یا دفع حمله‌ها و تهاجمات دشمن وجود دارد. بر اساس تصریح آیات قرآن، انجام این امور، نه تنها موجب حفظ امنیت، ثبات و پایداری نظام اسلامی شده، بلکه باعث ایجاد رعب در دل دشمن گردیده و او را از فکر تجاوز و یا ادامه تجاوز و دشمنی، منصرف خواهد کرد:

۱. نمایش اقتدار و قوت

هر چند فراهم ساختن مولفه‌های قدرت و تقویت درونی برای حکومت اسلامی یک اصل ضروری است، اما این به تنهایی کافی نیست و باید آن را به دشمن نشان داد. کارگزاران و مسئولان نظام اسلامی علاوه بر تقویت قوای نظامی باید در مقابل کفار و دشمنان از خود عزّت و صلابت نشان دهند. بر اساس آیه قرآن: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کسانی از کفار که نزدیک شمایند بجنگید. باید آنان در شما صلابت بیابند و بدانید که خداوند، با پرهیزکاران است.»

قرآن کریم در موارد متعددی دستور به جهاد و قتال با دشمن می‌دهد از جمله:

- دستور به تجاوز به مثل: «...فَمَنِ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ...»^۲

پس هر کس بر شما تعدی کرد، شما نیز به مثل آن بر او تعدی کنید.»

- دستور جهاد با ائمه کفر، به خاطر پیمان شکنی: «... فَقاتِلُوا أَمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ

لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ»^۳ آنان پیشوایان کفر به شمار می‌آیند و شما باید با پیشوایان کفر پیکار

کنید، چرا که آنان را هیچ پیمانی نیست، باشد که از پیمان شکنی دست بردارند.»

- دستور به قتال اصحاب فتنه مثل اسرائیل تا نابودی کامل آنها: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ

۱. توبه، ۱۲۳

۲. بقره، ۱۹۴

۳. توبه: ۱۲.

فِتْنَةٌ وَيَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ لِيْلَهُ...^۱ و با کافران بجنگید تا فتنه ای برجای نماند و دین (حاکمیت) یکسره از آن خدا باشد.»

نظام استکبار و جبهه کفر به دلیل نگاه مادی گرایانه و منفعت طلبانه، تاب ایستادگی طولانی مدت در مقابل اراده‌های پولادین و استوار جبهه حق را ندارند. به همین جهت صلابت و نفوذناپذیری در مقابل آنان، منجر به پیروزی خواهد شد.

۲. اتحاد و وحدت

خداوند متعال به مؤمنین وعده نصرت و یاری داده است و وعده خداوند متعال تخلف ناپذیر است. لکن پیروزی در جنگ، بدون متحدبودن امت، امکان پذیر نیست. یکی از جلوه‌های یاری خداوند بر یک ملت، متحدساختن دل‌های آنهاست. قرآن خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «لَوْ أَنفَقْتُ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا آَلَفْتُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ آَلَفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»^۲ اگر آنچه در روی زمین است همه را خرج می‌کردی، نمی‌توانستی میان دلهایشان الفت و همدلی برقرار کنی، ولی خدا بود که میان آنان الفت و همدلی انداخت، چرا که او توانای حکیم است.»

یکی از راهبردهای غلط دشمن این بود که تصور می‌کرد با توجه به گلایه‌ها و نارضایتی‌ها در برخی امور کشور، در صورت حمله، موج اعتراضات مردمی، عرصه را بر نظام و حاکمیت تنگ می‌کند و آنها خواهند توانست در سایه آن، دیگر پروژه‌ها و اهداف خود را عملی کنند. تا پیش از این جنگ، مردم روی برخی مسائل فرهنگی با یکدیگر اختلاف نظر داشتند اما اکنون همبستگی ملی بی‌سابقه‌ای در ایران شکل گرفته است، از حامیان نظام تا منتقدان، که تصور دشمن از شکاف در جامعه را نقش بر آب کرده و ستون عملیات روانی‌شان را فرو ریخته است. واکنش مدنی سنجیده و روحیه ملی در سراسر کشور نشان‌دهنده بلوغ اجتماعی و سرمایه اعتماد ملی است که اسرائیل در تحلیل خود در نظر نگرفته بود. دستاورد اصلی ایران در این بحران، انسجام و مقاومت ملی است که دشمن را نه فقط در میدان نظامی، بلکه در جنگ روانی نیز به شکست

۱. انفال: ۳۹.

۲. انفال: ۶۳.

کشانده است. برخلاف تصور اسرائیل که می‌خواست از شکاف‌های داخلی پلی برای پیروزی بسازد، انسجام اجتماعی ایران موجب شکست دشمن شد و تلاش خائنانه داخلی نیز به رسوایی انجامید.

۳. مقاومت و ایستادگی

یکی از استلزامات مقابله جمهوری اسلامی با رژیم صهیونیستی، مقاومت و ایستادگی در برابر دشمن است. وقتی بنا شود اطاعت از خدا محور زندگی فردی و اجتماعی باشد و ایستادگی در مقابل دشمنان و طاغوت‌ها به عنوان رکن اساسی دینداری روش انبیا و پیروان آنان باشد، در این مسیر سختی‌ها و آسیب‌ها و دشمنی‌های فراوان وجود خواهد داشت که مقاومت و ایستادگی و صبر دوستان خدا را می‌طلبد. لذا همانطور که قرآن خبر می‌دهد، تاریخ انبیا و پیروان خالص آنان، مالا مال حوادث و بلاها و دشمنی‌ها و در مقابل استقامت و صبر در جبهه حق بوده است.

قرآن ابتدا از مشکلاتی که اقوام پیامبران مختلف برای آنان ایجاد میکردند سخن می‌گوید و می‌فرماید: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوْدَنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ»^۱ و کسانی که کافر شدند، به پیامبران‌شان گفتند: بی تردید، شما و پیروانتان را از سرزمین خود بیرون می‌کنیم مگر این که به آیین ما درآیید. پس پروردگارشان به آنان وحی کرد که حتماً ستمکاران را نابود خواهیم کرد.»

تاریخ اسلام نیز مملو از مقاومت‌ها و ایستادگی‌های پیامبر و امامان علیهم‌السلام و پیروان آنها است. از جایی که پیامبر و مسلمانها به خاطر ایستادگی بر ایمان خود شکنجه‌های طاقت فرسا را تحمل میکردند تا جایی که در شعب ابی طالب سخت‌ترین مشکلات را تحمل میکردند تا مقاومت و رشادتهای آنان در جنگهایی که ظاهراً امر به حسب نیرو و امکانات ضعیفتر و کمتر از دشمنان بودند.

۴. پرهیز از ضعف و سستی

یکی از استلزامات اساسی قرآن، پرهیز از ضعف، سستی و ترس در برابر دشمن است. در این شرایط جنگی هر گونه پیام ضعف، ترس، انفعال و سستی مخالف این اصل قرآنی است و

۱. ابراهیم: ۱۳.

دشمن را در تهاجمات بیشتر، جسورتر می‌کند. اگر دشمن روزه‌ای از نفوذ در اثر ابراز ضعف از سوی برخی مسوولین ببیند، با سوء استفاده از آن، تلاش می‌کند صفوف متحد مسئولین و سپس یکپارچگی جامعه را به هم زده و با تسلط بر شرایط، خود را پیروز جنگ نشان دهد که این یک گناه نابخشودنی است.

در جنگ اُحد، مسلمانان شکست خوردند. شکستی واقعی، آن‌هم پس از پیروزی در بدر. اما چیزی که قرآن در سوره آل عمران برجسته می‌کند، تنها گزارش نظامی نیست، بلکه درمان روانی جامعه‌ای است که دچار ریزش ذهنی شده. لذا قرآن در آیه ۱۳۹ سوره آل عمران را با جمله‌ای کلیدی آغاز می‌کند: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۱ «است نشوید، غمگین نباشید، شما برترید اگر ایمان داشته باشید.»

همچنین در آیه ۱۴۰ نیز خداوند تسکین داده و می‌فرماید: «إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ...»^۲ اگر [در جنگ احد] به شما آسیب و جراحتی رسید، آن گروه را نیز [در جنگ بدر] آسیب و جراحتی مانند آن رسید.» بر اساس این آیات، شکست در یک میدان خاص به معنای شکست نهایی در جنگ نیست؛ پس ناراحت نباشید و از شکست‌ها درس بگیرید و در پرتو آن نقاط ضعف خود را برطرف کنید و برای پیروزی نهایی آماده شوید.

۵. عدم سازش و تسلیم

برخی فکر می‌کنند سازش با دشمن و کوتاه آمدن در مقابل آن باعث آرام گرفتن نزاع و دست برداشتن او از سلطه‌گری و زیاده‌خواهی می‌شود. در حالی که خاصیت او، طغیان‌گری و سرکشی است. خوی سرکشی و زیاده‌خواهی او برای تسلط به منابع و ملت‌ها پایان ندارد و تا هویت ایمانی و قبول حاکمیت خدا را در جامعه اسلامی ریشه‌کن نکند و تسلط خود را در همه جوانب ایجاد نکند و استقلال خواهی را سرکوب نکند، دست‌بردار نیست. این درسی است که قرآن به ما آموخته است و می‌فرماید: «لَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ هُوَ الْهَدَىٰ وَلَئِنْ أَتَبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا

۱. آل عمران: ۱۳۹.

۲. آل عمران: ۱۴۰.

نَصِيرٍ؛^۱ هرگز یهود و نصاری از توراضی نخواهند شد، (تا به طور کامل، تسلیم خواسته‌های آنها شوی، و) از آیین (تحریف یافته) آنان، پیروی کنی. بگو: «هدایت، تنها هدایت الهی است!» و اگر از هوی و هوسهای آنان پیروی کنی، بعد از آنکه آگاه شده‌ای، هیچ سرپرست و یاورى از سوى خدا برای تو نخواهد بود.»

قرآن به کسانی که در میانه جهاد برای کفار پیام دوستی ارسال می‌کنند، هشدار می‌دهد که نه تنها سرنوشتشان گمراهی از مسیر حق است، بلکه کفار اگر قدرت پیدا کنند بر کسانی که امید به دوستی کفار داشته‌اند هم رحم نخواهند کرد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ؛^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمنان من و دشمنان خودتان را دوست مگیرید. شما با آنان طرح دوستی می‌افکنید در صورتی که آنان قرآن و آیینی را که برای شما آمده و سراسر حق است انکار کردند، درحالی‌که پیامبر و شما را بدین سبب که به خدا، پروردگارتان ایمان آوردید از مکه بیرون راندند. پس اگر برای جهاد در راه من و دستیابی به خشنودی من هجرت کردید، با آن مشرکان حق ستیز دست دوستی ندهید. شما در نهان به آنان ابراز مودت می‌کنید، در صورتی که من به آنچه شما نهان داشته و به آنچه آشکار کرده‌اید داناترم و هر کس از شما به این کار اقدام کند به یقین راه راست را گم کرده است.»

امروز انقلاب اسلامی اگر در مقابل رژیم صهیونیستی و غرب و آمریکا مقاومت نکند دیری نمی‌پاید که تمام هویت و هستی خودش را خواهد باخت. زیاده‌خواهی استکبار جهانی تمامی ندارد و سازش نیز مانعی بر سر راه آن نخواهد شد. این مدعا مؤید به تجربه‌ی کشورهای مختلف از جمله لیبی و کره شمالی و مصر و همچنین تجربه کشور خودمان ایران نیز می‌باشد؛ زیرا هر جا در مقابل زیاده‌خواهی‌ها کوتاه آمدیم نه تنها دشمنی‌ها کم نشد بلکه باعث شد امتیازات نقد را در مقابل وعده‌های پوچ و نسیه، واگذار کنیم.

۱. بقره: ۱۲۰.

۲. ممتحنه: ۱.

